

حامی جنگ و میزبان صلح



صفحه ۶

نورستانی ارزانترین مهره توطیه

نمی‌دانم به این آقای نورستانی باز چه ماموریت داده اند. هرچه باشد به خیر افغانستان نبوده، نیست و بانگ بی موقع وی را نمی‌توان به فال نیک گرفت.

پس از ۱۸ ماه بحرانی، صندوقچه افتضاح انتخابات را باز نمودن، حکایت از نمک پاشیدن بر زخم سرنوشت مردم و احتمالاً در راه بودن توطیه دیگر دارد.

این دیگر مهم نیست، نورستانی بماند یا برود و یا هم از عمق توطیه خبر باشد یا خیر. اما شخص وی به حیث ارزانترین مهره توطیه علیه مردم افغانستان همواره آماده استفاده شدن میباشد.

اکنون، می‌شود از آن‌عه مسوولین حکومتی که اگر تا هنوز دغدغه مردم را در سر داشته باشند، انتظار صدایی را در مقابل افتضاح نورستانی، یا دسیسه‌یی علیه مردم داشت؟ یا اینکه به قول معروف «چرا به جان خود ناخونک زد» از برکه فیسوک احمدولی مسعود



وزارت معادن:

تاپی سر آغاز پروژه‌های زیربنایی افغانستان است

در نهایت در سال ۲۰۲۰ میلادی پروژه مذکور به بهره‌برداری برسد.

همچنین وی ادامه داد: بر اساس یکی از توافقنامه‌ها که به‌تازگی به امضا رسیده است، خط برقی در مسیر تاپی، از ترکمنستان به پاکستان منتقل می‌شود.

صبا تصریح کرد: بخشی از گاز اختصاص داده شده به افغانستان، برای تولید برق در هرات استفاده خواهد شد و بر اساس یکی از توافقنامه‌ها، افغانستان می‌تواند گاز اضافه خود را بفروشد.

همچنین در این نشست، خلیل احمد شهیدزاده یکی از نماینده‌گان هرات در پارلمان حضور داشت و گفت: عملی شدن پروژه تاپی به امنیت و ثبات سیاسی کشور کمک خواهد کرد.

شهیدزاده افزود: این پروژه برای ما و کشورهای همسایه از اهمیت زیادی برخوردار است.

وزیر معادن افغانستان گفت: کار ساخت پالایشگاه برای پروژه بزرگ منطقه‌ای «تاپی» جریان دارد و قرار است با پایان یافتن لوله‌کشی آن تا ۵ سال دیگر این پروژه به بهره‌برداری برسد.

داوود شاه صبا وزیر معادن در نشستی که به مناسب آغاز کار پروژه‌های زیربنایی افغانستان است و در ساخت آن تمام شهروندان کشور شریک می‌باشند.

صبا از تاپی به عنوان بزرگترین پروژه تاریخی در منطقه یاد کرد و افزود: تاکنون ۸ توافقنامه در مورد این پروژه میان ۴ کشور عضو به امضا رسیده است.

وزیر معادن بیان کرد: در حال حاضر کار ساخت پالایشگاه گاز تاپی در ترکمنستان جریان دارد و قرار است در سال ۲۰۱۷ میلادی کار لوله‌کشی آن آغاز گردد و تا سال ۲۰۱۹ میلادی به پایان برسد و

کمیته نظارت و ارزیابی مبارزه با فساد اداری:

اراده حکومت برای مبارزه با فساد ضعیف است

روح‌الله بهزاد

کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه با فساد اداری، نهمین گزارش تحقیقی خویش را در راستای مبارزه با فساد اداری به نشر رساند.

این نهاد اقدامات مثبت حکومت در مبارزه با فساد اداری را شکننده دانسته و گفته است که چالش‌ها در حال افزایش است.

با این حال، این نهاد گفته که با وجود تمام مشکلات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی در افغانستان، مبارزه با فساد اداری در این کشور امکان‌پذیر است.

اعضای این کمیته با برگزاری نشست خبری اظهار داشتند که از کارکردهای حکومت وحدت ملی

در پیوند به مبارزه با فساد اداری بسیار ناخوشنود هستند.

مسئولان این کمیته بیان داشتند که اکنون مبارزه با فساد اداری در صدر برنامه‌های حکومت نیست، بل تمرکز حکومت بر مسایل دیگری چون ناامنی است.

اعضای این کمیته خوش‌بینی کرده که با تطبیق پیشنهاداتشان میزان فساداداری در وزارت خانه‌های مهاجرین، تحصیلات عالی، کار و امور اجتماعی، شرکت برشنا و کمیسیون اصلاحات اداری کاهش یافته است.

به گفته اعضای این کمیته، اراده ضعیف سیاسی در امر مبارزه با فساد اداری و نیز فرهنگ معافیت،



عدم تطبیق عدالت، تطبیق نشدن قانون از مواردی هستند که حکومت آن را جدی نگرفته است. با وجود تلاشهای چهارده ساله حکومت افغانستان و جامعه جهانی در راستای... ادامه صفحه ۳

در برگ‌ها



بیراهمی
رییس‌جمهور
و بی‌تفاوتی
کابینه



پایانی
بر شایعه‌یی
دیگر درباره
ویتگنشتاین



نگاه انتقادی
به غرب
از چشم‌انداز
فرانسه و
آلمان



رییس المپیک:
حکومت ورزش
را دست کم
می‌گیرد



بیراهی ریس جمهور و بی تفاوتی کابینه

«مخالف سیاسی» خواندن طالبان، امضای پیمان امنیتی با سازمان استخباراتی پاکستان که بعدها با عکس العمل شدید نماینده‌گان ملت و احزاب سیاسی روبه‌رو گردید و امضای معاهده ننگین دند غوری؛ همه سیاست‌هایی بودند که آقای رییس‌جمهور بدون مشوره با نماینده‌گان پارلمان، احزاب سیاسی و حتا کابینه‌یی که خودش آن را رهبری می‌کند، اعمال کرد.

این در حالی‌ست که مبارزه با تروریسم، یک قضیه ملی به شمار می‌آید و دولت وحدت ملی قضایای ملی را باید از طریق مشوره با مردم حل و فصل کند.

آقای کرزی در مبارزه با تروریسم انتقاد می‌کردند. احزاب و ائتلاف‌های سیاسی از او می‌خواستند که از سیاست مدارا با طالبان اجتناب ورزد و برای سرکوبی این گروه از تمام امکانات ملی و بین‌المللی که در جنگ با دهشت‌افکنی فراهم شده، استفاده مثبت کند. مسلماً اگر مقامات عالی‌رتبه مخصوصاً وزرای سکتورهای دفاعی و امنیتی محافظه‌کاری نمی‌کردند و مانع سیاست‌های غلط آقای کرزی در جنگ با دهشت‌افکنی می‌شدند، مبارزه با تروریسم با آن‌همه مصارف و قربانی دادن‌ها، بدون دستاورد نمی‌ماند و امروز طالبان این توانایی را نمی‌داشتند که امنیت، ثبات و تمامیت ارضی کشور را به چالش بکشند.

چنین توقع می‌رفت که با روی کار آمدن دولت وحدت ملی، این روش تغییر کند و آقای غنی با توجه به روش‌های ناکام آقای کرزی، راه و رسم دیگری در پیش بگیرد؛ راه و رسمی که مبارزه با تروریسم را از انحراف بیرون و به مسیر اصلی‌اش رهبری کند و زحمات، فداکاری‌ها و جان‌بازی‌های سربازان دلیر کشور را به ثمر رساند. اما با کمال تأسف این توقع مردم برآورده نشد و آقای غنی همانند آقای کرزی، مبارزه با دهشت‌افکنی را در انحصار تیم خود قرار داد؛ تیمی که عضو مهم آن یعنی آقای ستانکزی، اعتماد پارلمان را به حیث وزیر دفاع به‌دست نیاورد و چند بار از طرف نماینده‌گان ملت با اکثریت قاطع رد شد. اما آقای غنی به رای نماینده‌گان ملت اعتنایی نکرد و با نقض قانون، فرمان سرپرستی آقای ستانکزی را به حیث سرپرست وزارت دفاع صادر کرد.

«مخالف سیاسی» خواندن طالبان، امضای پیمان امنیتی با سازمان استخباراتی پاکستان که بعدها با عکس‌العمل شدید نماینده‌گان ملت و احزاب سیاسی روبه‌رو گردید و امضای معاهده ننگین دند غوری؛ همه سیاست‌هایی بودند که آقای رییس‌جمهور بدون مشوره با نماینده‌گان پارلمان، احزاب سیاسی و حتا کابینه‌یی که خودش آن را رهبری می‌کند، اعمال کرد.

احمدضیاء مسعود نماینده فوق‌العاده رییس‌جمهور در امور حکومت‌داری خوب، جهت بررسی اوضاع امنیتی کشور سفری به ولایت‌های شمال افغانستان کرد. او در این سفر با مقامات محلی، شخصیت‌های جهادی و منتقد ولایت تخار، کندز، بدخشان، سمنگان و ولایت بغلان دیدار نمود. آقای مسعود در رابطه با وضعیت امنیتی گفت که در دولت وحدت ملی، اراده‌یی برای سرکوب طالبان وجود ندارد و نیز اضافه نمود که جنگ فرسایشی به نفع دولت وحدت ملی نیست؛ زیرا این نوع مبارزه، سکتورهای امنیتی را بیشتر خسته می‌سازد.

همچنان با انتقاد از معاهده ننگین دند غوری گفت که این معاهده ننگین به نفع طالبان تمام شد و طالبان با استفاده از آن، سنگرهای محکمی برای پیشبرد عملیات‌های نظامی‌شان در آن منطقه ساختند که اکنون شکستن این سنگرها کار سکتورهای امنیتی را برای پاک‌سازی منطقه دشوار ساخته است.

در گذشته آقای کرزی طالبان را برادر خواند و به این گروه امتیاز داد، اما متأسفانه هیچ یک از اعضای کابینه مخصوصاً وزرای سکتورهای دفاعی و امنیتی به او نگفتند که: جناب رییس‌جمهور، این سیاست شما در قبال تروریسم، به طالبان مشروعیت و مصونیت می‌دهد و علاوه بر آن، به آی‌اس‌آی جرأت می‌بخشد که به فشارهای جامعه جهانی اعتنایی نکند و به حمایت خود از طالبان ادامه دهد.

آقای کرزی بدون کوچک‌ترین فشار از طرف اعضای کابینه، با استفاده از صلاحیت‌های نامحدودش همانند یک دیکتاتور، تمامی پالیسی‌های غلط و ناکام خود را بالای کابینه می‌قبولاند و هیچ‌یک از وزرا جرأت «نه» گفتن در برابر او را نداشتند؛ زیرا وزرا بدون استثنا، همه به فکر نگهداری چوکی‌های‌شان بودند و می‌ترسیدند که با رای‌آیه پیشنهاد، نظر و یا انتقاد از پالیسی‌های غلط رییس دولت، مقام‌های‌شان را از دست بدهند.

این در حالی بود که مردم از روش و عملکرد

سخن ماندگار

اعلام نتایج؛

تف سربالای کمیسیون انتخابات

کمیسیون انتخابات پس از گذشت شانزده ماه از ایجاد دولت وحدت ملی، در یک حرکت غیرمترقبه و دیرنگام، نتایج انتخابات سال گذشته ریاست‌جمهوری را با جزئیات اعلام کرد.

اما اعلام نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری، سروصداها و جنجال‌های تازه‌یی را در کشور رقم زده است. بسیاری‌ها این پرسش را مطرح می‌کنند که: چرا کمیسیون انتخابات پس از آن‌که دولتی بر اساس توافق‌نامه سیاسی در کشور ایجاد شد، به اعلام نتایج انتخابات دست زده است؟ آیا این کمیسیون با اعلام نتایج انتخابات تلاش دارد که به هدف‌های خاصی برسد؟

بدون تردید کمیسیون انتخابات بدون هدف به اعلام نتایج بدون پیامد انتخابات سال گذشته اقدام نکرده است. اعضای این کمیسیون به صورت عامدانه و غرض‌آلود خواسته‌اند که نتایج انتخاباتی را اعلام کنند که به باور بسیاری‌ها به دلیل تقلب‌های سازمان‌یافته و جعل‌کاری‌های کمیسیون‌های انتخاباتی مردود پنداشته می‌شود. این نتایج در خوش‌بینانه‌ترین وضعیت، ماحصل فعالیت‌های نهادی است که به اصلی‌ترین وظیفه خود به عنوان مدیریت‌کننده انتخابات نتوانسته عمل کند.

اگر نتایج انتخاباتی که کمیسیون آن را مدیریت کرده، ذره‌یی ارزش و اعتبار ملی و بین‌المللی می‌داشت، آن‌گاه چه نیازی بود که دولتی بر اساس توافق‌نامه سیاسی ایجاد شود؟!

بدون شک نسبت به کارایی و غیرجانبداری کمیسیون انتخابات، شایبه‌های فراوانی در سطح ملی و بین‌المللی به وجود آمده بود که نتایج انتخابات، راه به ایجاد دولت جدید نبرد. حالا وقتی کمیسیون انتخابات پس از گذشت شانزده ماه این نتایج را در اختیار عموم قرار می‌دهد، چه تعبیری می‌توان از آن داشت؟ آیا می‌شود که به عقب برگشت و دست به ایجاد دولتی دیگر بر اساس نتایج انتخابات آقای نورستانی زد؟ چون به هر صورت، نتایجی را که کمیسیون انتخابات اعلام کرده، نه اعتبار ملی دارد و نه هم اعتبار جهانی. اگر این نتایج حاوی اعتبار و ارزش بود، چرا در زمانی که نهادهای بین‌المللی به بررسی نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری آغاز کردند، در مورد صحت این نتایج چیزی نگفتند؟

آقای نورستانی و همکاران او در کمیسیون انتخابات فراموش کرده اند که نتایج انتخابات ایشان فقط می‌تواند برای خودشان و شاید هم برای اعضای خانواده و بسته‌گان‌شان مدار اعتبار و ارزش باشد. آقای نورستانی و همکاران او باید در همان روزهای پس از ایجاد دولت وحدت ملی، به نهادهای عدلی و قضایی کشور به دلیل عدم مدیریت درست انتخابات معرفی می‌شدند. اما این‌که چرا چنین اتفاقی نیفتاد، باید مسوولان درجه‌اول کشور و به‌ویژه ریاست اجرای به آن پاسخ دهند.

وقتی یک گروه و دسته عملاً با روند ملی انتخابات چنین برخورد غیرقانونی و انسانی می‌کنند که نزدیک است کشور به بحران و جنگ داخلی سوق یابد، چه باید کرد؟ آیا راه دیگری به غیر از برخورد قانونی با آن‌ها می‌تواند وجود داشته باشد؟

حالا وقتی چنین برخوردی صورت نگرفته، اعضای کمیسیون انتخابات از جز نابسامان سیاسی و امنیتی کشور سوءاستفاده کرده و تلاش تازه‌یی را برای سوق دادن افغانستان به سمت بحران و درگیری‌های داخلی صورت داده اند. اعلام نتایج انتخابات تنها می‌تواند چنین تعبیری داشته باشد و لاغیر!

اعضای کمیسیون انتخابات با این عملکرد خود خواسته‌اند که شعور و فهم مردم افغانستان را به سخره بگیرند. آن‌چه که از سوی آن‌ها صورت گرفته، عملاً توهین به مردم افغانستان تلقی می‌شود؛ مردمی که با جان‌فشانی به پای صندوق‌های رای رفتند تا رییس‌جمهوری آینده خود را انتخاب کنند، اما با وضعیتی روبه‌رو شدند که عملاً آن‌ها را از انتخابات بیزار و متنفر کرد.

در یک سال گذشته، تلاش‌هایی که از سوی نهادهای بی‌طرف و ذیدخل در مسایل انتخابات صورت گرفت، به چه معنا بود؟ آیا غیر از این بود که مردم را دوباره به انتخابات و دموکراسی باورمند سازد؟ آیا طرح اصلاح نظام انتخاباتی و گزینش اعضای جدید کمیسیون‌های انتخاباتی می‌تواند معنایی به جز ترمیم خراب‌کاری‌های کمیسیون‌های انتخاباتی در کشور داشته باشد؟

حالا پس از این خیط بزرگ سیاسی که به صورت قصدی از سوی کمیسیون انتخابات انجام شد، انتظار می‌رود که چه اتفاق تازه‌یی در کشور بیفتد؟ آیا کسانی ندان تیز کرده اند که قدرت را به صورت انفرادی در انحصار و حیطه خود درآورند؟

بدون شک در عقب سناریوی اعلام نتایج انتخابات، دست‌های دیگری نیز کار کرده و این‌طور نبوده که کمیسیون انتخابات به تنهایی چنین جسارت بزرگی را مرتکب شده باشد. حالا تشخیص این افراد به دوش نهادهای عدلی و قضایی کشور است تا جلو عملکردهای بعدی‌شان در ادامه یک توطیه آشکار گرفته شود.

بازار گرم شفاخانه‌های دهلی با بیماران افغانستانی

ناحیه نوری

بازار شفاخانه‌ها و داروخانه‌های هندوستان با مشتریان افغانستانی هر روز گرم‌تر و پررونق می‌شود.

هندوستان هر روز پذیرای بیش از صدها افغانستانی است که جهت تداوی و خرید دارو به این کشور سفر می‌کنند.

سفر به هندوستان برای بیماران افغانستانی نه تنها پرزحمت بلکه پرهزینه نیز است. مجموعاً مصارف به شمول تکت هواپیما، کرایه هتل، هزینه ترجمان و درمان به چند هزار دالر می‌رسد. البته بسیاری بیماران که به هندوستان می‌روند افغانستانی‌های مرفه و پولدار اند. اما کسانی هم هستند که مال و ملک خود را می‌فروشند تا برای تداوی به هندوستان برسند.

خدمات صحی بسیار ناچیز، داروهای بی کیفیت و تشخیص نادرست در افغانستان باعث شده که مراجعۀ شهروندان بیمار افغانستان به شفاخانه‌های هند هر روز افزایش یابد.

پیش از این سفارت افغانستان در دهلی گفته بود که روزانه حدود هزار شهروندان افغانستان به هندوستان سفر می‌کنند که حدود ۷۰ درصد آن‌ها برای تشخیص و درمان می‌آیند. اما اکنون روزانه دست کم یک هواپیما از فرودگاه بین‌المللی کابل به مقصد هندوستان

است.

او که دلیل ذکر نکردن نامش را مشکلات اقامت عنوان می‌کند و می‌افزاید: بیشترین و شاید اکثریت بیماران ما خارجی‌ها به خصوص افغان‌ها اند که برای تداوی خود حاضر اند مصارف گزافی بپردازند.

به گفته او: مشکل دیگر بیماران، ترجمان‌ها هستند که به بهانه‌های مختلف از بیماران که زبان هندی بلد نیستند، پول‌های گزافی می‌گیرند و با فریب دادن هم وطنان‌شان زنده‌گی خود را پیش می‌برند.

و اما محمد قادر یکی از بیماران که جهت تداوی به یکی از شفاخانه شهر دهلی آمده می‌گوید: در شفاخانه‌های دولتی افغانستان بیماری‌ات چند برابر می‌شود، چون نه پسران است و نه داکتر دارد.

او می‌افزاید: شفاخانه‌های شخصی هم دنیایی از پولات را به بهانه‌های مختلف می‌گیرد، اما داکتر درک ندارد، چند تا نرس و نیمچه داکتر را به نام داکتر استخدام می‌کنند و برای جذب مشتری نام چند داکتر معروف را در لیست شفاخانه اضافه می‌کنند.

محمد قادر گفت: در شفاخانه‌های دولتی یا واسطه داشته باشی و یا زوردار باشی که تداوی شوی، درغیر آن زنده ماندنات در شک است.

او با انتقاد از وزارت صحت عامه گفت:



مقامات وزارت صحت عامه هم که خواب هستند و هیچ برای‌شان مهم نیست که در شفاخانه‌های دولتی و شخصی چه می‌گذرد. جمیله یکی دیگر از بیماران که جهت تداوی به هندوستان سفر کرده و از اینکه در افغانستان درمان بیماران سرطانی و امراض خطرناک این چنینی امکان پذیر نیست، سخت اندوهگین است.

او که کارمند یکی از دوایر دولتی است می‌گوید: با وجود که پول نداشتیم و مصارف آمدن و کرایه اتاق و خوراک زیاد است، اما مجبور بودم هند بیایم چون در افغانستان تداوی‌ام امکان نداشت.

و اما بازار داروخانه‌های هندوستان با مشتریان افغانستانی پررونق و گرم‌تر از شفاخانه‌های آن است و مالکان این داروخانه‌ها برای گرم‌تر کردن بازارشان کارکنان افغانستانی استخدام می‌کنند تا فروش بیشتری داشته باشند.

یکی از کارمندان داروخانه‌های شهردهلی که افغانستانی است، به روزنامه ماندگار گفت: ما روزانه بیش از ۵۰ هزار روپیه دارو می‌فروشیم و بیشترین مشتریان ما بیماران هستند که از افغانستان جهت تداوی و خرید دارو می‌آیند. او که خود را مریم معرفی کرد، گفت: در بعضی مواقع اگر فروش بیشتری داشته باشیم و مشتریان بیشتری را بتوانیم جذب کنیم،

مستحق جایزه نیز می‌شویم.

در همین دارو خانه حاجی کریم که از کابل جهت تداوی آمده و دارو خرید می‌کرد، گفت: من به اضافه داروهای خودم ۲۰ هزار روپیه را دارو مختلف دیگر مانند پراستامول بروفین، دوی کمر درد و خریدم و وقتی کابل رفتم هرکی دیدن ام آمد از این داروها برایش سوغات می‌دهم، چون داروهای این جا با کیفیت است و تاریخ گذشته نیست.

مساله جالب دیگر که در شفاخانه‌های هندوستان توجه‌ام را جلب کرد، ورقه آزمایشات است که هر کدام قیمت مشخص دارد، یک نوع آن ۳۷ هزار دیگری ۱۶ هزار سومی ۱۲ هزار و چهارمی هم ۸ هزار روپیه هندی قیمت دارد.

اما این بیمار نیست که اختیار انتخاب آن را داشته باشد، بل افرادی به نام ترجمان که افغانستانی هستند و بیماران را نزد داکتر برده و هر آزمایش که برای‌شان منفعت بیشتر داشت را انتخاب کرده و به داکتر می‌گویند که این آزمایش را بنویس.

این ترجمانان کمیشنکاران آزمایشگاه‌های هندوستان نیز هستند و برای آوردن مشتری به این آزمایشگاه‌ها فیصدی می‌گیرند و درکنار آن از ترجمانی که برای بیماران انجام می‌دهند روزانه هزار روپیه هندی نیز اخذ می‌کنند.

بیشترین شهروند افغانستان که در هندوستان اقامت دارند از این طریق امرار معاش می‌کنند و امورات زندگی خویش را پیش می‌برند. اکثر بیماران که زبان هندی بلد نیستند و آشنای با هندوستان ندارند؛ به چنگ این ترجمانان آینده و به ناحق پول‌های شان را از دست می‌دهند.

یکی از بیماران می‌گوید: زمانیکه به میدان هوایی رسیدیم، یک آقا پیدا شد و گفت، وطندار بیا من برایت خانه ارزان پیدا می‌کنم و پیش داکتر هم می‌برمت، وقتی اتاق برای ما گرفت گفت، ۱۵ هزار روپیه بده که به صاحب خانه بدهم چون صاحب خانه پول را پیش می‌گیرد.

او افزود: روز بعد آمد و گفت پیش یک داکتر لایق می‌برمت، وقتی نزد داکتر رفتیم، نمی‌دانم به داکتر چی گفت من که زبان شان را بلد نیستیم، گفت به من ۳۰۰ دالر بده که آزمایش‌هایت را انجام بدهم، وقتی به آزمایشگاه رسیدیم، ساعت ۴ عصر شده بود؛ گفت، حالا رخصتی شده صبا می‌ایم.

اوکه حاجی اسلم نام داشت گفت: اما فردایش وقتی زنگ زدم گفت امروز کار دارم فردا می‌رویم و از آن روز ده روز می‌گذرد و هی امروز فردا می‌کند و بدتر از آن اینکه صاحب خانه آمد و از ما کرایه طلب کرد وقتی برایش گفتیم که ما قبلاً کرایه را پرداختیم؛ گفت، به کی دادید، من که نگرتم.

و اما مساله جالب‌تر و قابل بحث دیگر اینکه اکثر کارکنان افغانستانی، داروخانه‌ها و شفاخانه‌های هندوستان را دخترخانم‌ها تشکیل می‌دهند که به گفته خودشان می‌توانند بیشترین مشتریان را به این بیمارستان‌ها و داروخانه‌ها جذب کنند.

این دخترخانم‌ها ضمن اینکه در داروخانه‌ها و بیمارستان‌ها برای جذب مشتری افغانستانی کار می‌کنند و مشغول فروش دارو اند، لوازم آرایش نیز می‌فروشند و هر قدر که بتوانند بیشتر لوازم بفروشند و مشتری جذب کنند، به همان اندازه پول بیشتری به دست می‌آورند. خواستیم نظر سفارت افغانستان در هندوستان را نیز در این خصوص داشته باشیم، اما وقتی به سفارت افغانستان در هندوستان مراجعه کردیم، ما به اجازه ورود به سفارت‌خانه داده نشد.

مدال درجه اول غنی به جنرال کمبل



نیز حضور داشتند، رییس جمهور غنی مدال عالی دولتی درجه اول ستوری را برای جنرال جان کمبل به پاس خدمات موصوف در زمینه حمایت و تجهیز نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان و تلاش‌های مشترک وی با مسوولین وزارت‌های دفاع ملی و امور داخله به خاطر تامین امنیت کشور، تفویض کرد.

رییس جمهور غنی شام روز پنجشنبه طی مراسمی مدال عالی دولتی درجه اول ستوری را به جنرال جان کمبل فرمانده عمومی نیروهای ناتو در افغانستان تفویض کرد.

براساس خبرنامه ارگ، در مراسم تودיעی که در ارگ انجام شد و در آن مسوولین نیروهای امنیتی و دفاعی کشور و شماری از مسوولین ماموریت حمایت قاطع

اراده حکومت برای...

مبارزه با فساد اداری هنوز هم این پدیده کاهش نیافته است.

با آن‌که ادارات و نهادهای مختلف در راستای مبارزه با فساد اداری از چندین سال در افغانستان فعالیت می‌کنند، اما هنوز هم مردم شاهد رویدادهای بزرگ فساد در کشور هستند.

داکتر شوکت حسن عضو این کمیته در نشست خبری گفت: ما بر بنیاد یافته‌های این گزارش به منظور مبارزه بیشتر با فساد اداری، ۴۱۶ پیشنهاد را به سران حکومت و ادارات افغانستان تحویل داده‌ایم که از این میان، ۴۳ درصد این پیشنهادات مورد تطبیق قرار گرفته است و بس.

آقای حسن با ابراز نگرانی از بیشتر شدن فساد در کشور بیان داشت: «ما تنها در مورد توانایی حکومت وحدت ملی در مبارزه با فساد نگران نیستیم، بلکه این نگرانی وسیع است و ما این فرصت را داشتیم که در این ارتباط با شرکای مان صحبت کنیم تا به یک نتیجه مطلوب برسیم».

در عین حال، یما ترابی، از اعضای این کمیته در این نشست خبری گفت: «باید وضعیت تغییر کند. فعلاً در وضعیتی نیستیم که افغانستان باید باشد. وضعیت فعلی برای ما قابل پذیرش نیست. ما نیاز به تغییرات بنیادی داریم».

آقای ترابی افزود که با وجود پیشنهادهای زیاد، تاکنون در دادستانی کل اصلاحاتی صورت نگرفته است. این عضو کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه با فساد اداری گفت: نیابردن اصلاحات در ارگان‌های قضایی به معنای آن است که در دولت افغانستان اراده سیاسی برای از بین بردن فساد وجود ندارد.

او افزود: «اگر ما نتوانیم فرهنگ معافیت را خاتمه ببخشیم، کسانی که امروز فساد می‌کنند، جرات بیشتر می‌یابند».

اسلاجاناتسه واه عضو دیگر کمیته مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه با فساد اداری اظهار داشت: «کم بودن اراده سیاسی دولت‌های ضعیف، فرهنگ معافیت، عدالت‌دهی سلیقه‌یی

و نبود ارزیابی در نهادها، همه نیازمند رهبری نیرومند برای دست‌یابی به کاهش فساد اداری می‌باشند.»

یاسین عثمانی عضو دیگر کمیته مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه با فساد اداری در این کنفرانس گفت: «هنوز آن‌گونه اقداماتی که اطمینان بخش باشد صورت نگرفته است. می‌کانبیس‌هایی که بتواند به صورت درست مطابق به محتوای قرارداد تطبیق شود، هنوز پابرجاست.»

مبارزه با فساد اداری از شرط‌های مهم ادامه کمک‌های جامعه جهانی به افغانستان است و رهبران حکومت وحدت ملی افغانستان در آغاز کارشان اعلام کرده بودند که این مسأله از اولویت‌های کاری‌شان خواهد بود.

فساد مرض مزمن هر اداره است. محو آن غیرممکن و به حداقل رساندن آن هدف تمامی دولت‌ها می‌باشد. در یک دهه اخیر افغانستان هر ساله مقام اول تا سوم فاسدترین نظام اداری را در جهان از آن خود می‌کند.

این در حالی است که سازمان شفافیت بین‌المللی با نشر گزارش تازه خود اعلام کرد که افغانستان در سال ۲۰۱۵ در رتبه ۱۶۶، جایگاه دومین کشور فاسد جهان را گرفته است.

براساس این گزارش، افغانستان در بین ۱۶۷ کشور جهان، در جایگاه ۱۶۶ قرار گرفته و جزو فاسدترین کشورهای جهان شناخته شده است.

پس از افغانستان، کوریای شمالی و سومالی هردو در رتبه ۱۶۷، در فهرست کشورهای فاسد جهان در سال ۲۰۱۵ قرار گرفته است.

افغانستان در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۳ به ترتیب در رده‌های سومین و دومین دولت فاسد جهان قرار داشت.

در گزارش سازمان شفافیت بین‌المللی آمده است که میلیون‌ها دالر که برای صلح، بازسازی و ساخت و ساز افغانستان کمک شده بود، دزدی و یا حیف و میل شده است.

همچنان در این گزارش گفته شده است که علی‌رغم تعهدات رهبران حکومت وحدت ملی در مبارزه با فساد اداری، هنوز هم این معضل در تمام ادارات و لایه‌های افغانستان وجود دارد.

بخش نخست

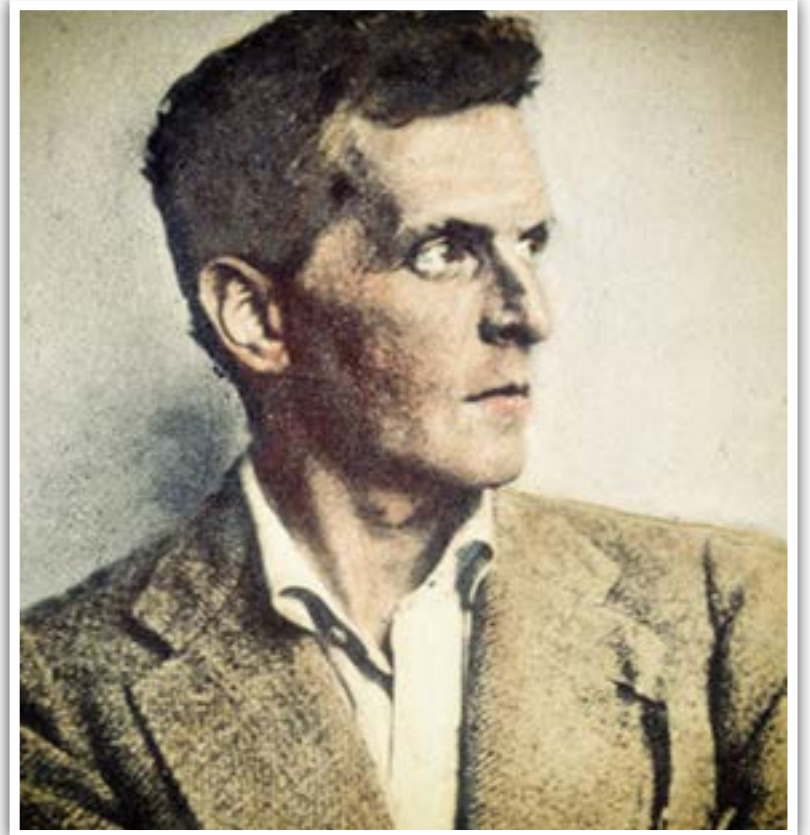
بخش دوم

پایانی

بر شایعه‌ی دیگر درباره‌ی ویتگنشتاین

محمد زهیر باقری نوع‌پرست به نظر می‌رسد بین افرادی که با فلسفه ویتگنشتاین آشنایی زیادی ندارند ولی به شخصیت او علاقه دارند، دو شایعه بسیار فراگیر وجود دارد. اول، شایعه بی‌اساسی است مبنی بر این‌که ویتگنشتاین و هیتلر هم‌کلاس / هم‌صنف بوده‌اند. این ادعا توسط نویسنده استرالیایی، کیمبرلی کورنیش در کتاب «یهودی اهل لیتنس» مطرح شده است. این کتاب عکسی را نیز به ما نشان می‌دهد که ادعا می‌کند هیتلر و ویتگنشتاین هر دو در آن عکس هستند، و هرچند در آن عکس هیتلر حضور دارد، هیچ مدرکی دال بر این‌که ویتگنشتاین در آن عکس بوده، وجود ندارد. دوم، شایعه‌ی قدیمی‌تر مبنی بر همجنس‌گرا بودن ویتگنشتاین است. ابتدا نگاهی کوتاه به ابعاد معنوی زنده‌گی ویتگنشتاین افکنده و سپس به بررسی این امر می‌پردازیم که شایعه همجنس‌گرا بودن ویتگنشتاین از کجا سرچشمه گرفته و امروز این باور نزد چه کسانی پذیرفته

نصیب را می‌برند. با توجه به سبک زنده‌گی عرفانی او، برای این‌که بتوان اثبات کرد که او به لحاظ جنسی، به‌طور کلی، فعال بوده است، باید شواهدی ارائه کرد. ویتگنشتاین در زنده‌گی خود با دو زن ارتباط داشت؛ یکی در نوجوانی و هنگامی که در وین بود، و بار دوم به زنی سویسی علاقه‌مند شد که قرارشان بر این بود که در صورتی که فرزنددار نشوند، با یکدیگر ازدواج کنند که این اتفاق رخ نداد. (مانک ۱۹۹۰) از جمله افرادی که در شکل‌گیری نگرش عرفانی ویتگنشتاین به زنده‌گی نقش داشته اند، می‌توان از کیرکگارد و اتو واینینگر نام برد. اتو واینینگر، اندیشمند اتریشی، در کتاب «جنسیت و شخصیت» خود لازمه دست یافتن به معنویت را پرهیز از هرگونه لذت جنسی می‌داند. علاقه ویتگنشتاین به این کتاب تا حدی بود که آن را به همه دوستان و نزدیکان خود در کمبریج توصیه می‌کرد. اندیشه‌های واینینگر در سال‌های جوانی ویتگنشتاین او را تحت تأثیر قرار داد. (سزابدوس ۱۹۹۷) این نکته از آن‌رو



اهمیت دارد که واینینگر زنان را مانع اصلی برای رسیدن به معنویت می‌دانست و نگاهی ضدزن داشته است. بنابراین ضدزن بودن ویتگنشتاین در دوره جوانی‌اش، ارتباطی به همجنس‌گرایی نداشته است. ویتگنشتاین همواره احساس گناه می‌کرد و به دنبال تعالی عرفانی بیشتر بود. به عنوان مثال، سال‌ها پس از این‌که به تنبیه بدنی دانش‌آموزان مدرسه‌ی که در آن مدتی درس می‌داد اقدام نموده بود، به آن روستایی که مدرسه در آن واقع شده بود بازگشت و از همه آن‌ها معذرت‌خواهی کرد. همچنین ویتگنشتاین تمایل داشت در مقدمه کتاب‌های خود آن‌ها را به شکوه خداوند تقدیم کند ولی به دلیل ترس از این‌که این کارش فریب‌کاری یا ریاکاری به حساب بیاید، از این کار امتناع کرد. (دآنجلیس ۲۰۱۲ ص ۱۱۷) آنچه رفت، اشاره‌ی بسیار کوتاه به ابعاد عرفانی زنده‌گی ویتگنشتاین است که

برای شرح گسترده‌تر این وجه از زنده‌گی او می‌توان به آثار متعددی که به این موضوع اشاره کرده‌اند، مراجعه کرد. آنچه سبک زنده‌گی ویتگنشتاین نشان می‌دهد این است که او انسانی پارسا بوده و از لذت‌های جسمی دوری می‌جسته است. بنابراین، برای این‌که بتوان ادعا کرد که او همجنس‌گرا بوده است، باید بتوان شواهد قطعی و محکمی ارائه کرد. ویلیام بارتلی فیلسوف امریکایی در سال ۱۹۷۳ کتابی نوشته است به نام «ویتگنشتاین» که به شرح زنده‌گی او می‌پردازد. این کتاب که بر اساس گفته‌های دوستان و نزدیکان ویتگنشتاین و به گفته خود بارتلی، با رمزگشایی دفترچه خاطرات ویتگنشتاین نوشته شده است، ادعا می‌کند که ویتگنشتاین در دوره‌هایی از زنده‌گی خود همجنس‌گرا بوده است. این کتاب در آن زمان با واکنش‌های بسیار تندی مواجه شد و جالب‌تر این‌که نزدیک‌ترین دوست‌های ویتگنشتاین از جمله افرادی بودند که ادعاهای بارتلی را بی‌اساس و دروغ می‌دانستند. الیزابت آنسکمب (۱۹۷۳)، راش ریس (۱۹۷۴) و دروری (۱۹۷۴) از نزدیک‌ترین دوستان ویتگنشتاین بودند و هر سه این ادعاهای بارتلی را بی‌اساس دانستند. الیزابت آنسکمب با نوشتن مطلبی در روزنامه‌ی، نبود منبع قابل اعتماد در نوشته‌های آقای بارتلی را محور انتقاد خود قرار داد و او را به‌خاطر نوشتن این مطلب سرزنش کرد. دروری، دوست نزدیک ویتگنشتاین که به توصیه ویتگنشتاین روان‌پزشکی خوانده بود، در همان روزنامه خاطرنشان کرد که از آن‌جایی که او روان‌پزشک بوده و دوست صمیمی ویتگنشتاین بوده است، در صورت وجود چنین امری حتماً متوجه می‌شده است، و راش ریس هم اثر بارتلی را کتابی برگرفته از تخیل و سطحی که مناسب ستون حرف‌های عامیانه در روزنامه‌ها است، دانست. از آن‌جایی که نزدیک‌ترین دوستان ویتگنشتاین این همجنس‌گرا بودن او را رد می‌کنند، سوالی که مطرح است این است که افرادی که بارتلی به گفته‌های آن‌ها استناد کرده است، چه کسانی هستند؟ نمونه‌هایی که بارتلی به عنوان شاهد سخن خود می‌آورد را در این‌جا ذکر کنیم. به طور مثال، «زنی از راسل شنیده است که ویتگنشتاین همجنس‌گرا است» یا در موردی از نقل افرادی که در جنگ جهانی اول ویتگنشتاین را در جنگ می‌شناخته اند، این را عنوان می‌کند. اما نکته عجیب این است که بارتلی از ذکر نام این افراد خودداری می‌کند و دلیل او هم این است که آوردن عنوان این افراد موجب بدنامی آن‌ها می‌شود! در حالی که جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۸ به پایان رسیده و بارتلی کتاب خود را در سال ۱۹۷۳ نوشته است. علاوه بر این، ویتگنشتاین از خواهرش در دوران جنگ در نامه‌ی خواسته بود که کتاب تولستوی و کیرکگارد را برای او بفرستد و مشغول نوشتن یادداشت‌هایی که بعدها به «رساله منطقی فلسفی» تبدیل شد نیز بوده است و این همچنان نامخوانی بین روحیه عرفانی و تارک دنیایی و لذت جنسی را نشان می‌دهد.

ریشه‌ها

و میوه‌های حسادت

آیدا روشن‌ضمیر

چه‌گونه می‌توان این حس را مهار کرد؟

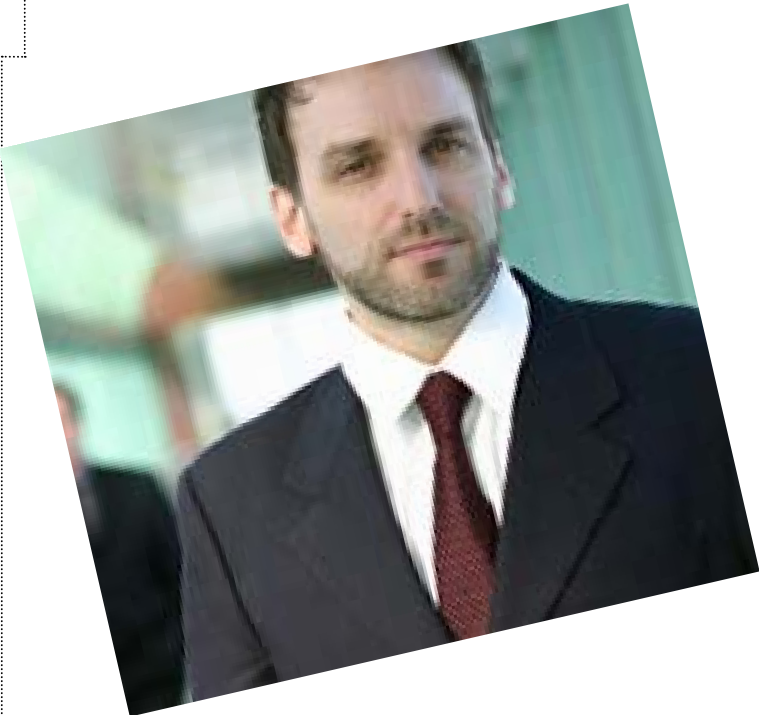
حسادت پدیده‌ی است که وجود دارد و نمی‌توان مانع آن شد؛ اما لازم است که از وجود این حس درون خودمان آگاهی داشته باشیم. همین آگاهی، بزرگترین کمک خواهد بود. باید متوجه شویم که: ۱- این حس در من وجود دارد؛ ۲- همه افراد این حس را ندارند؛ ۳- به این پرسش برسیم که حالا می‌توانم چه کارش کنم؟ دانستن این‌که حسادت وجود دارد و حس طبیعی است، به ما آرامش می‌بخشد. وقتی به این آگاهی رسیدم، حالا نوبت این است که بپرسم با آن چه بکنم تا به خودم یا دیگری خسارت نزنم.

= حالا واقعاً با حسادت‌مان چه بکنیم؟

باید بپذیریم که ما و نقاط قوت و ضعف‌مان در کنار هم، «ما» را تشکیل داده است. باید خودمان را همراه این نقاط قوت و ضعف بپذیریم. وقتی خودمان را پذیرفتیم، برای‌مان راحت‌تر است که انتظار فوق‌العاده‌ی از خودمان نداشته باشیم یا نخواهیم جای فرد دیگری باشیم. البته همه این‌ها بسته‌گی به علت حسادت هم دارد، مثلاً اگر من به فردی که شاگرد اول کنکور شد، حسادت می‌کنم، باید واقع‌بین باشم و بپذیرم که من در طول سال، شاید خیلی هم زحمت نکشیدم و به همه میهمانی‌ها هم رفته‌ام. پس نباید از خودم انتظار داشته باشم که شاگرد اول شوم. البته شاید احساس حسرت (غبطه) در من ایجاد شود، اما نباید حسودی کنم که چرا من در جایگاه او ننشسته‌ام. باید آگاهی پیدا کنم که اگر من هم بخوام به موفقیت او دست پیدا کنم، باید زحمت بیشتری بکشم. حسادت گاهی باعث ایجاد انگیزه و رقابت خواهد شد، اما گاهی هم ممکن است من را به این نتیجه برساند که از پس چنین کاری بر نمی‌آیم، پس بهتر است زحمت و وقت خودم را جای دیگری هزینه کنم. برای این منظور باید خوب فکر کنیم و ببینیم چه کاری را می‌توانیم خوبتر انجام دهیم. این آگاهی برای تعامل با حس حسادت موثر است.

= آیا حسادت می‌تواند منجر به افسرده‌گی در فرد شود؟

بلی! مثلاً کودکی که در خانه مدام مورد مقایسه با کودک دیگر قرار می‌گیرد اما توانایی‌های آن کودک دیگر را ندارد، ممکن است احساس اضطراب پیدا کند. او دلش می‌خواهد رضایت والدین خود را به دست آورد، اما چون قادر نیست، ممکن است افسرده شود که چرا مثلاً مانند دوستش نم‌روده خوبی به‌دست نیآورده. این حس در بزرگ‌سالی هم به شکل دیگری وجود دارد. مثلاً ممکن است کارمندی در ارتباط با همکارش احساس حسادت کند و منجر به اضطراب و افسرده‌گی وی شود.



نگاه انتقادی به غرب

از چشم انداز فرانسه و آلمان



عبدالرشید فکرت بخشی - استاد دانشگاه کابل

بخش یازدهم

تفاوت میان زن و مرد که در جامعه ما آنهمه آشکار و آفتابست، در غرب کم‌رنگ به نظر میرسد و مردان و زنان شبیه هم به نظر می‌آیند. زن غربی از لحاظ نوع لباس، با مرد آن تفاوت چندانی ندارد و این بیفتاوتی، آن‌ها را ظاهراً بسیار به هم نزدیک کرده است. تأمل‌انگیزتر این‌که، علیرغم آزادی‌های فردی بسیاری که به انسان فرانسه‌ای داده شده است و میبایست این وضع به چندرنگی‌های درشتی در همه ابعاد زنده گی و از آن جمله طرز لباس و رفتار می‌انجامید؛ یک‌نواختی غیرقابل انکار و چشم‌گیری در طرز لباس پوشیدن و نوع رفتار آن‌ها به چشم می‌خورد. طرز لباس و نوع لباس آن‌ها یک‌نواخت و مشابه است و همه در فصل سرما پتلون کابوای، جمپر و غیره لباس‌های معمول آن‌ها را به تن دارند و تفاوت زیادی از این رهگذر میان آن‌ها نمیتوان پیدا کرد.

در این میان، برخی مسلمان‌های الجزایر و افریقا با لباس‌های سنتی خویش نیز گشت‌وگذار دارند که از دیگران کاملاً متفاوت به نظر می‌آیند. زنان محجبه مسلمان، بر طرز لباس و رفتار جامعه فرانسه، چندرنگی قابل دیدی بخشیده‌اند. بقیه همه تقریباً یک‌رنگ و شبیه هم لباس می‌پوشند و ظاهراً همه افراد این جامعه - شاید هم به‌ناخواست - ذوق یکسانی دارند، و یا شاید هم به‌چنان خصلت فرهنگی‌یی بزرگ شده‌اند و خو گرفته‌اند و با این حساب، تنوع در نگاه شان زیبایی چندانی ندارد.

مسلمان‌ها، به ویژه عرب‌ها، همواره نقش قاره سیاه را دست‌کم گرفته‌اند و اهمیت آن‌ها را به صورت آنچنانی مورد توجه قرار ندادند. این در حالیست که سیاه‌پوستان مسلمان در بیشتر مناطق دنیا حضور دارند و حضور آن‌ها را در هیچ میدانی نمیتوان نادیده انگاشت. مسلمانان الجزایر، مراکش، سینیگال، سودان و در کل افریقا، نقش مهمی در ترویج فرهنگ اسلامی در جامعه اروپایی - به ویژه فرانسه - داشته‌اند و استعمار علیرغم همه سبب‌های شومی که بر استعمارشده‌ها در قرن بیستم به‌جا گذاشت، یکی از پیامدهای مثبت و امیدبخش آن، راه یافتن مسلمان‌ها و مردمان کشورهای استعمارزده به قلب کشورهای استعمارگر بوده است. در قرن بیستم که جهان تقریباً زیر یوغ استعمار خمیده بود، فرانسه بر بخش عظیم افریقا، از آن جمله المغرب،

الجزایر، کینیا و ... حاکمیت داشت و همه را زیر چتر استعمار خودش درآورده بود و از همه بهره‌کشی میکرد. در این میان، یکی از نتایج سازنده استعمار، تعامل دوگانه استعمارگران و استعمارشده‌ها - هرچند به صورت نابرابر - بود که راه مردمان کشورهای مستعمره را به سوی مرکز استعمار گشود و آن‌ها توانستند از این طریق به قلب جغرافیای حاکمان‌شان راه یابند. حضور قابل ملاحظه و چشم‌نوازشی الجزایریها، سینیگالیها و تونس‌ی‌ها را در فرانسه میتوان تاحدی محصول عصر استعمار دانست. آن‌ها به صورت عموم توانستند با حفظ ویژگیهای فرهنگی و دینی خویش در متن جامعه فرانسه حضور شان را تثبیت کنند و انسان فرانسه‌یی را با واقعیتی به نام اسلام مواجه سازند. نفوذ روزافزون گرایش به اسلام در فرانسه نیز بی‌ربط با حضور فرهنگمند سیاهپوستان مسلمان و الجزایریها نیست.

در محلی نزدیک «بوتس چومونت» پاریس که اقامتگاه‌مان بود، در پارکی قدم می‌زدیم که متوجه شدیم در کنار جاده عمومی، مردمانی گرد آمده‌اند و معلوم نیست چه مسأله‌یست. از آن‌جاییکه چنین اجتماعاتی در پاریس کم اتفاق می‌افتد، حس کنجکاوی ما برانگیخته شد و ما نیز به سمت آن حرکت کردیم. وقتی نزدیک شدم، صدای موسیقی شنیده میشد و من فکر کردم بخش موسیقی ویا هم مرکز هنرهای فرانسه نمایشی برپا کرده و لوحه‌یی که چند متر دورتر از این اجتماع بر دیوار تعمیراتی حک شده بود نیز این گمانه را تقویت میبخشید. اما به صحنه که رسیدم، دیدم محفل عروسیست و شماری زن محجبه نیز به چشم می‌خورند. ترانه‌های عربی که با آلات موسیقی سنتی خوانده میشد، به شکوه این محفل افزوده بود و خوشایندها و بسته‌گان شاه و عروس به پای کوبی در کنار جاده عمومی دست زده بودند و با اینکار، فرهنگ و هویت‌شان را در محضر دید عموم قرار میدادند.

آن‌ها به زبان عربی آواز می‌خواندند و محفل خویش را به طرز تقریباً سنتی برگزار کرده بودند. این محفل در حقیقت نمایشی از حفظ فرهنگ و قرار دادن آن در معرض دید عموم بود. آنان از یک‌سو خوشحالی‌شان را جشن گرفته بودند و از سوی دیگر، فرهنگ شان را به دیگران نمایش می‌دادند و مردم نیز از هر سویی به تماشای این صحنه جالب آمده بودند. چنین اجتماعی به معنای حضور فرهنگ‌های گوناگون و اقلیت‌های فرهنگی در جامعه فرانسه، به ویژه پاریس، است.

در جامعه فرانسه می‌توان نژادهای مختلف سیاه، سرخ و سفید را دید. زبان‌های گونه‌گون، تبار و نژادهای مختلف و باورهای تا حدودی نایکسان، از ویژه‌گی‌های جامعه فرانسه است. شاید این مسأله که فرانسه هر سال میزبان حدود چهار و پنج میلیون گردشگر از سراسر جهان است، یکی از عوامل این چندرنگی‌ها به شمار آید. پاریس - مرکز فرانسه - یکی از پربازدیدترین مکان‌های تفریحی و تاریخی دنیاست. یکی از جاذبه‌هایی که گردشگران جهان را به پاریس می‌کشد، دست نخورده گی و قدمت این شهر است. پاریس شهری قدیمی است و بناهای آن به همان شکل سنتی و قدیمی رها شده است. بناهای تازه نیز در آن شهر - جز در مناطق محدودی - به شکل و طرح قدیمی اعمار می‌شوند تا منظره تاریخی شهر برهم نخورد.

این مسأله طبیعتاً برای گردشگران جاذبه‌یی دارد که در جاهای دیگر دنیا کمتر دست‌یاب می‌شود و آنان را به دیدن چنین شهری پراشتیاق‌تر می‌سازد. قصر سلطنتی پاریس نیز شکوه و عظمتی دارد که چشمان هر بیننده‌یی را خیره می‌کند و آدمی را به تأمل در رمز استیلای فرانسه‌یی‌های در گذشته و امروز فرا می‌خواند. «پارک لوکزامبورگ» و «برج ایفل» که یکی از هشت عجایب دنیا به شمار می‌آیند، بر جذابیت بیشتر این شهر افزوده و گردشگران بسیاری را از گوشه و کنار جهان به اینجا می‌کشاند. حضور گردشگران کشورهای مختلف، رنگارنگی بیشتری به پاریس داده است و رنگ‌ها را بیش از پیش تیره گی بخشیده است. پاریس همواره میزبان پیروان ادیان گوناگون، نژادها، زبان‌ها، اقوام و گروه‌های مختلف بوده است. تعامل میان میزبان و مهمان باعث شده است تا فرهنگ تسامح و مدارا - در اثر تعامل میان فرهنگی - جای ویژه‌یی در این کشور باز کند.

پرواضح است که یکی از عوامل تعصب و تنگ‌اندیشی‌های کور قومی، نژادی، زبانی، مذهبی و ... را می‌توان گسست و نبود تعاملات دوجانبه و چندجانبه فرهنگی به حساب آورد. تعاملات فرهنگی به نزدیک شدن فاصله‌ها کمک می‌رساند و از میزان تعصبات کور و ویران‌گر می‌کاهد. در مناطقی که چندگونه‌گی را تجربه نکرده است و همه به تبار، زبان، مذهب، نژاد و گروه واحدی وابسته گی حس می‌کنند، فرهنگ تسامح و تعامل رنگ کمتری دارد. در چنین جوامعی، انسان‌ها بیشتر از دریچه ذهنیت حاکم بر محیط خویش

به اقوام و گروه‌های دیگر می‌نگرند و چه بسا که ناشناخته و ناهمیده، به مصاف یکدیگر می‌شتابند و قربانی جهل خویش می‌گردند. سخت‌گیری و تعصب خامی است تا جینی کار خون‌آشامی است مولوی

داد و ستدهای فرهنگی میان اقوام و گروه‌ها کمک می‌کند تا شعله‌های آتش فشنانی تعصب فرو بکشد و فورانی نشود. فرانسه از کشورهایی است که شاید تلاقی فرهنگ‌ها، اندیشه‌ها و ادیان مختلف در آن بیش از کشورهای دیگر جهان است. در گذشته‌ها عنصر تجارت و مهاجرت نقش قابل ملاحظه‌یی در تعاملات فرهنگی و فکری داشت که این عناصر تا اکنون نیز اهمیت‌شان را از دست نداده‌اند؛ اما عناصر دیگری نیز بر آن افزوده شده است که می‌توان یکی از آن‌ها را سیاحت یا گردشگری نامید. گردشگری خود به تعامل فرهنگی می‌رسد و از آن‌جا راهش را به سوی تحمل‌پذیری و تسامح ظفرمندانه می‌گشاید.

در این‌جا - پاریس - چندرنگی و چنددسته‌گی به یک امر عادی درآمده است و جزو زنده گی روزمره به شمار می‌رود. این گونه‌گونی بیش از آن‌که به رفتارهای چندگانه و گاهی عصیبت‌آلود در درون جامعه بینجامد، به تسامح و زیست مسالمت‌آمیز انجامیده است. همه به یک چشم نگرسته می‌شوند و - جز در این اواخر که حملات خون‌بار پاریس اتفاق افتاد - برخورد دوگانه مشهودی به نظر نمی‌خورد و امتیاز و تبعیض بسیار روشنی در جامعه میان انسان‌ها دیده نمی‌شود. اما در جامعه ما که همه سرشار از دغدغه‌های دینی است، تعصب و قوم‌گرایی بیداد می‌کند و ذهن و ضمیر بسیاری‌ها را تسخیر کرده است. بهره‌برداری‌های سیاسی، دخالت منافع اشخاص، جهالت، انحصارطلبی، گذشته‌تنش‌آلوده و تلخ، قوم‌پرستی و زبان‌پرستی‌های کور و بی‌شعور نمی‌گذارد تا حفره‌های آتش فشنانی قومیت خاموش شود و جامعه به مرحله جدیدی از مدنیت و همزیستی مسالمت‌آمیز عبور کند. گاهی شرایط و اوضاع - به ویژه در مراحل حساس سیاسی و تنش - چنان رقم می‌خورد که تقریباً همه گی وارد فاز عصیبت می‌گردند و با نام‌ها و عنوان‌های گوناگونی به مصاف هم می‌آیند. در چنین اوضاعی، همه فراموش می‌کنند که تعصب می‌ورزند و مرزهای تعصب و عدالت خواهی چنان درهم می‌آمیزد که سیاه و سفیدی باقی نمی‌ماند و همه چیز خاکستری به نظر می‌آید.

این است وضعیت اجتماعی و فرهنگی در جامعه‌یی که تقریباً همه مسلمان‌اند و اسلام نیز از برابری انسانی، نکوش تعصب، عدالت‌ورزی حتا با دشمنان و معیاریت تقوا سخن می‌گوید. برای توضیح این مسأله کافی‌ست همین یک آیه زیر را در نظر آوریم:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ [۴۹:۱۳]

ترجمه: ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (این‌ها ملاک امتیاز نیست)، گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است.

آیه فوق را باید مانفیسست روابط و مناسبات اجتماعی میان انسان‌ها دانست. خطاب آیه - چون سخن متوجه انسان است - متوجه تمامی انسان‌هاست و حرف نداییه «یا» نیز نشان دهنده آن است که موضوع پُراهمیتی بیان خواهد شد. در این آیه که خطاب آن عام است، نخست از آفرینش همسان انسان‌ها سخن به میان آمده است و رویکردی هستی‌شناسانه به انسان دارد. پُروشن است که در عصر جاهلیت و پیشتر از آن، باورهای وجود داشت که باور به خلقت همسان انسان‌ها را برنمی‌تافت و قابل به تفکیک در آفرینش انسان‌ها بود. برخی‌ها - با توجه به نگاه‌های عمیق طبقاتی - به این باور بودند که تولد یافتن در جغرافیا و قبایل مختلف می‌تواند مایه شرف و یا فرومایه گی یک فرد باشد. در این دید، قبایل به شریف و وضع تقسیم شده بودند و کودکی که در قبیله اشراف چشم به جهان می‌گشود، برتر از کودکی بود که در قبیله فرودست - بنا بر تقسیم بندی حاکم زمان - تولد می‌یافت. نه تنها به لحاظ باور، بلکه به لحاظ حقوق اجتماعی نیز میان آن‌ها تفاوت وجود داشت. در این میان، حتا فیلسوف بزرگی چون ارسطو نیز معتقد بود که برخی‌ها ذاتاً برده آفریده شده‌اند و شماری دیگر اشراف؛ اشراف دارای حقوقی‌اند که برده‌ها از آن محروم‌اند.

حامی جنگ و میزبان صلح

محمد اکرام اندیشمند

روزهای آینده (هفته نخست ماه مارچ ۲۰۱۶)، اسلام‌آباد میزبان مذاکرات صلح مستقیم میان دولت افغانستان و گروه طالبان است. این در واقع نقش متضاد و دوگانه پاکستان در مورد افغانستان است که از یک سو در پشت سر جنگ افغانستان و جنگ‌جویان مخالف دولت افغانستان قرار دارد و از سوی دیگر، مذاکرات صلح را میزبانی می‌کند.

البته این نخستین بار نیست که پاکستان نقش دوگانه و متضاد را در مورد بحران و جنگ افغانستان بازی می‌کند. بازی دوگانه پاکستان به سال‌ها پیش برمی‌گردد، اما از همه مهم‌تر این است که برگ برنده این بازی دوگانه بر سر جنگ و صلح نیز در دست این کشور قرار دارد. جالب‌تر و تماشایی‌تر این‌که: پاکستان پیوسته از این برگ برنده در این بازی متضاد و دوگانه در جهت منافع و اهداف خود سود می‌برد. در حالی که هنوز چند روز دیگر به آغاز نخستین گفت‌وگوی مستقیم صلح میان طالبان و دولت افغانستان - پس از چهار بار مذاکره چهارجانبه میان دولت‌های افغانستان و پاکستان در پایتخت‌های دو کشور - با حضور و مشارکت نماینده‌گان ایالات متحده آمریکا و چین باقی مانده است، پاکستان به‌صورت علنی از شاخه‌های مختلف طالبان خواسته که در این گفت‌وگوها شرکت کنند. محمد نفیس ذکریا سخنگوی وزارت خارجه پاکستان، روز پنجشنبه (۶ حوت ۱۳۹۴) در یک نشست خبری به خبرنگاران گفت که از همه شاخه‌های طالبان دعوت شده تا نماینده‌های باصلاحیت خود را برای شرکت در اولین مذاکرات مستقیم صلح به اسلام‌آباد بفرستند. نکته جالب و قابل تأمل این است که پاکستان وقتی از طالبان می‌خواهد که به مذاکرات صلح بیایند، این خواست را به‌صورت علنی توسط وزارت خارجه مطرح می‌کند و آن‌ها را از پشت میکروفون‌های

خبرنگاران و رسانه‌های دنیا، به مذاکره و صلح فرا می‌خواند. اما وقتی در عقب جنگ طالبان قرار دارد و حامی و میزبان آن‌ها در جنگ است، این حمایت و میزبانی را در پس‌کوتاهای استخبارات نظامی ارتش در راولپنڈی، دور از نظر و با کتمان و انکار انجام می‌دهد.

علی‌رغم این سیاست دایمی دوگانه و متضاد اسلام‌آباد در عرصه جنگ و صلح افغانستان، فراخوان علنی اسلام‌آباد به طالبان برای مشارکت در مذاکرات صلح نیز مخدوش، چندپهلوی و عاری از صداقت و شفافیت است. به نظر می‌رسد که پاکستان سناریوی مذاکرات مستقیم صلح را قبلاً در راولپنڈی نگاشته باشد که کدام شاخه و کدام افراد طالبان به این فراخوان پاسخ مثبت ارایه کنند و کدام دسته‌ها و افراد دیگر طالبان به این فراخوان نه بگویند. پاکستان با این سناریو خواهد توانست که کارت بازی جنگ و صلح افغانستان را در دست خود داشته باشد. اما نکته قابل پرسش این است که آیا پاکستان کارت برنده را در بازی بر سر جنگ و صلح افغانستان همچنان در دست خود حفظ خواهد کرد و از آمریکا و جامعه بین‌المللی در این بازی باج خواهد گرفت؟ آیا گروه طالبان در این بازی همچنان در دسترس پاکستان باقی خواهد ماند؟

هنوز شواهدی وجود ندارد که امریکایی‌ها آخرین حرف را در گوش پاکستانی‌ها برای پایان دادن به بازی متضاد و دوگانه‌شان زمزمه کرده باشند. اسلام‌آباد کماکان از سخاوت و اشتگتن و انگلیس بهره‌مند است و افزون بر دریافت میلیاردها دلار کمک از آن‌ها، دریافت هواپیماهای اف ۱۶ امریکایی پاداش جدید امریکا برای زمام‌داران اسلام‌آباد محسوب می‌شود. و اما در مورد بقای همیشه‌گی گروه طالبان به عنوان برگ برنده بازی در دست پاکستانی‌ها، نشانه‌هایی از سوال و تردید به مشاهده می‌رسد. تأمین روابط گسترده طالبان با جمهوری اسلامی ایران و در یک

سال اخیر با روسیه، نشانه‌هایی از این تردید به شمار می‌رود.

یک منبع نزدیک به طالبان ادعا می‌کند که روابط روس‌ها و طالبان، بیشتر و عمیق‌تر از آنچه است که در مطبوعات از آن سخن می‌رود. انگیزه و عامل توافق طرفین (روس‌ها و طالبان) بر سر این رابطه، از باور و دیدگاه هر دو طرف، به مورد جبهه مقاومت پیشین در برابر طالبان معروف به اتحاد شمال برمی‌گردد. گفته می‌شود که آن‌ها به این باور مشترک رسیده‌اند که جبهه مخالف پیشین یا اتحاد شمال، با قرار گرفتن در دسترس امریکا، یک طرف غیرقابل اعتماد در همراهی استراتژیک با روسیه محسوب می‌شود. علی‌رغم این باور و توافق طالبان و روس‌ها، طالبان در صدد جلب حمایت بخشی از جبهه متحد برآمده‌اند و تلاش طالبان برای مذاکره با علمای دینی پنجشیر و برخی فرماندهان مجاهدین که اخیراً از سوی علمای مذکور تردید شد، به کسب این حمایت برمی‌گردد. با وجود تردید این مذاکره، طالبان همچنان تماس خود را در جهت این مذاکره و رابطه حفظ کرده‌اند.

آیا طالبان با ایجاد رابطه عمیق با ایران و روسیه و همچنان با مخالفان و دشمنان خود در افغانستان، از دسترس پاکستان خارج خواهند شد و پاکستان برگ برنده خود را در بازی بر سر افغانستان و حتا در بازی منطقه‌یی و بین‌المللی از دست خواهد داد؟ به نظر می‌رسد که نقش و موقعیت پاکستان از زوایای مختلف در این بازی بسیار بیشتر و قوی‌تر از روس‌ها و ایرانی‌هاست. و به همین حد، نقش پاکستان در جنگ و صلح افغانستان، نقشی اساسی و تعیین‌کننده است. اگر واقعاً چنین باشد، آیا دولت افغانستان توانایی و ظرفیت حل مشکلات پاکستان و توافق بر سر منافع مشترک با اسلام‌آباد را در خود ایجاد کرده می‌تواند؟

بانویی در بغلان یک فرمانده طالبان را کشت و ۱۱ تن از افرادش را زخمی کرد



جنرال محمد عوض نذیری، سرپرست فرماندهی پولیس بغلان می‌گوید که صبح روز جمعه طالبان منطقه چشمه شیر دندغوری، یک باشنده محل را به ضرب گلوله زخمی کردند؛ اما همسر این مرد، برای دفاع از شوهرش وارد میدان شده و پس از چند دقیقه درگیری مسلحانه، فرمانده طالبان را کشته و ۱۱ تن از افرادش را نیز زخمی کرده است.

به گفته آقای نذیری، الماس فرمانده طالبان محلی برای جمع‌آوری کمک‌های غذایی برای نیروهایش، از مردم منطقه چشمه شیر باج‌گیری می‌کرده و هنگامی که شوهر این بانوی بغلانی از دادن پول زور خودداری کرده، الماس نیز او را به گلوله بسته است.

گفته می‌شود که خامار (آژدها) یکی از فرماندهان مشهور طالبان دندغوری نیز در این رویداد زخمی شده است.

فرمانده پولیس بغلان می‌گوید که خانواده این بانو به مکانی امن انتقال داده شده و مرد خانواده نیز برای درمان به شفاخانه فرستاده شده است.

این نخستین باری است که در مناطق زیر حاکمیت طالبان در بغلان، یک زن در مقابل ظلم و بیاد این گروه ایستاده‌گی می‌کند و با آن‌ها وارد درگیری مسلحانه می‌شود.

به انزوا کشیدن گفتمان حکومت وحدت ملی

هارون مجیدی

مشاور رسانه‌یی ریاست اجرایی حکومت وحدت، اعلام نتایج انتخابات را بعد از سپری‌شدن هژده ماه از عمر حکومت، مضحک خواند و گفت که کسانی در اطراف رییس‌جمهور و در درون ارگ تلاش دارند تا گفتمان ایجاد حکومت وحدت ملی را به انزوا بکشند.

حشمت‌الله رادفر مشاور رسانه‌یی ریاست اجرایی می‌گوید که برخی از اطرافیان رییس‌جمهور با استفاده از اقتداری که نهاد ریاست‌جمهوری در افغانستان دارد، تلاش‌های فراوانی را به‌خاطر منزوی ساختن ریاست اجرایی انجام می‌دهند.

این گفته‌ها در حالی مطرح می‌شود که مسوولان کمیسیون انتخابات پس از نزدیک به دو سال از انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۹۳، نتایج نهایی را روز چهارشنبه هفته گذشته اعلام کردند.

نتایج اعلام‌شده نشان می‌دهند که رییس‌جمهور کنونی با به دست‌آوردن ۵۵،۲۷ درصد آرا بر کرسی ریاست‌جمهوری و عبدالله عبدالله با ۴۴،۷۳ درصد آرا بر کرسی ریاست اجرایی نشسته‌اند.

محمدیوسف نورستانی، رییس این کمیسیون می‌پذیرد که تعویق اعلام نتایج در تضاد با قانون انتخابات و قانون اساسی کشور است، اما آنان برای حفظ منافع ملی این کار را کرده‌اند.

یکی از مواد درشت توافق‌نامه سیاسی ایجاد حکومت وحدت ملی، برگزاری لویه جرگه قانون اساسی بعد از دو سال عمر این حکومت بود، این جرگه با آوردن تغییراتی در مواد قانونی اساسی، پست ریاست اجرایی را به صدراعظم اجرایی مبدل می‌سازد.

اما با آن‌که ماه‌های اندکی به پایان دو سال این وعده باقی مانده، حکومت وحدت ملی ترتیب اندکی هم برای ایجاد این جرگه که همانا اصلاحات انتخاباتی و برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی است، نداده است.

حشمت‌الله رادفر مشاور رسانه‌یی ریاست اجرایی حکومت وحدت ملی در گفت‌وگو با روزنامه ماندگار، اعلام نتایج انتخابات را بعد از هژده ماه توسط کمیسیون انتخابات را مضحک خوانده، می‌گوید: این کار بخشی



و تلاش‌های برای تغییر نظام سیاسی در افغانستان است." مشاور رسانه‌یی ریاست اجرایی با آن‌که از این اطرافیان رییس‌جمهور غنی نام نمی‌برد، اما می‌گوید که اینان بدون در نظر داشت سرنوشت مردم و آینده افغانستان تنها به اهداف قشری، محدود و منفعت‌آمیز خودشان فکر می‌کنند.

او می‌گوید این طیف تمامیت‌خواه می‌خواهند، روند به‌گونه‌یی سامان داده شود که آنان توقع دارند و از رفتن افغانستان به طرف بحران باکی ندارند.

آقای رادفر تأکید می‌کند که همین اطرافیان رییس بودند که سد راه پیشنهادات کمیسیون ویژه اصلاحاتی قرار گرفتند و با استفاده از مهره‌های‌شان در مجلس، فرمان تقنینی رییس‌جمهور را رد و کار کمیته گزینش و کمیشنرانی کمیسیون‌های انتخاباتی را با مشکل حقوقی روبه‌رو کردند و حالا نیز می‌کوشند تا این بن بست به پایان نرسد.

در این حال، شبکه نهادهای مدنی افغانستان برای تحکیم روند انتخابات (اکسین) می‌گوید که هرگونه تأخیر و سهل‌انگاری در اصلاحات انتخاباتی و آغاز کار کمیته گزینش، به ثبات سیاسی کشور صدمه می‌زند.

اعضای اکسین با برگزاری نشست خبری می‌گویند که تمام مشکلات امروز مردم افغانستان عدم حاکمیت قانون است؛ اگر رهبران حکومت تلاش می‌کنند به‌خاطر اعمال نفوذ و رسیدن و ماندن در قدرت قانون را تا سطح قانون اساسی پامال کنند، این درایت را هم باید داشته باشند که به‌خاطر منافع ملی در نظام انتخاباتی اصلاحات به میان آورند.

آنان گفتند: رییس‌جمهور صلاحیت صدور فرمان تقنینی را دوباره در مورد اصلاح نظام انتخاباتی دارد و باید این فرمان را صادر کند تا کار کمیته گزینش آغاز گردد و کار این کمیته به خلای قانونی روبه‌رو نگردد.

اعضای اکسین گفتند، کار کمیته گزینش به خاطر اصلاحات در روند انتخابات باید آغاز گردد و افراد شایسته و متخصص را به عنوان کمیشنرانی انتخاباتی تعیین کنند.

به گفته شبکه نهادهای جامعه مدنی در مورد تحکیم انتخابات، هر قدر روند اصلاحات به پیش برود انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی زود برگزار خواهد شد. با تماس‌های پی‌هم موفق نشدیم تا دیدگاه ریاست‌جمهوری را نیز در این زمینه داشته باشیم.

مشاور رسانه‌یی ریاست اجرایی در جواب به پرسشی که حکومت وحدت ملی و به‌ویژه ریاست اجرایی بحث اصلاحات انتخاباتی را به گونه‌یی که شهروندان توقع داشتند جدید نگرفته‌اند، می‌گوید: "ریاست اجرایی در یک‌و‌نیم سال گذشته، آن‌چه که برای اصلاحات لازم بوده را انجام داده است."

اما آقای رادفر تأکید می‌کند: اطرافیان رییس‌جمهور با استفاده از اقتداری که نهاد ریاست‌جمهوری در افغانستان دارد، تلاش‌های فراوانی را به‌خاطر منزوی ساختن ریاست اجرایی انجام می‌دهند.

مشاور رسانه‌یی ریاست اجرایی با پذیرفتن واکنش‌ها و ناامیدی شهروندان به مسأله اصلاحات انتخاباتی خاطر نشان می‌کند: "وقتی یک بدنه نظام از شیطنت استفاده و منافع خود را در بحران‌سازی‌ها جست‌وجو می‌کند، برای ریاست اجرایی تنها یک راه باقی مانده که با عصبانیت برخورد داشته باشند که در چنین وضعیتی این محور شرارت تلاش کند تا در سطح جهانی نیز زمینه‌های منزوی ساختن ریاست اجرایی را مساعد سازند و نشان دهند که گویا مشکلات برآمده از آدرس همین بدنه نظام

از تلاش‌هایی است که به‌خاطر به انزوا کشاندن گفتمان حکومت وحدت ملی اجرا می‌شود و در طولی فشارهایی قرار دارد که برای دور زدن توافق‌نامه سیاسی و بحث تغییر نظام انجام می‌شود.

مشاور رسانه‌یی ریاست اجرایی می‌افزاید: "یوسف نورستانی رییس کمیسیون انتخابات، آله دست یک عده آدم‌های تمامیت‌خواه است که بخشی از این چهره‌ها نفوذ و روابط شبکه‌یی و مافیایی با بخشی از نظام کشور دارند."

آقای رادفر با تصریح این‌که اعلام نتایج انتخابات توسط تیم یوسف نورستانی در کمیسیون انتخابات در ماهیت جنبه رسمی ندارد و تأثیر کلانی بالای وضعیت نخواهد داشت، اما می‌گوید: در جنگ تبلیغاتی که در برابر گفتمان تغییر نظام در افغانستان راه افتاده است، بخشی از این جنگ توسط اطرافیان رییس‌جمهور حمایت می‌شود. به گفته او: به‌خاطری زمان برای اصلاحات انتخاباتی و تلاش‌هایی که برای عملی کردن بندهای توافق‌نامه سیاسی انجام می‌شود را درازتر می‌سازند تا افغانستان به یک بحرانی سیاسی روبه‌رو شود.

فیسبوک نامه

عبدالاحد هادف



در پی اعلان مسخره آمیز نتایج انتخابات گوسفندی سال پار توسط آقای نورستانی، کسانی آن را جدی گرفته و شله اند که چرا دکتور عبدالله به آن پاسخ نمی دهد؟ من می گویم چرا باید پاسخ دهد و یا اظهار نظر کند؟ قرار نیست هرکس به ریش و ریشه خود بخندد، داکتر عبدالله آن را جدی بگیرد. آدم بیکار هر کاری می کند، به یک مقام مسوول به حجم رییس اجرایی نمی زبید که کار بیکارها را گز و میدان کند. از بدیهیات ما بعد رسوایی انتخابات گوسفندی اخیر این بود که با روی کار آمدن تجربه حکومت وحدت ملی، هرچه ماقبل بود را ملغا کرد و مشروعیت جدیدی در کشور به میان آمد و دنیا شاهد ماجرا است و این که نورستانی صاحب هنوز خواب است، گناه ما چی؟! چرا دکتور عبدالله بهای غفلت او را دهد؟ عقل که نباشد جان در عذاب است، البته جان خود بی عقل، قرار نیست که جان همه حتا از رییس اجرایی بابت بی عقلی یک نفر در عذاب باشد!

کنشکا محبوب



یوسف نورستانی و ستار سعادت تفنگ های شان را به سوی ارگ نشانه گرفته اند. کمیشنران برحال کمسیون های انتخاباتی و در رأس آن یوسف نورستانی نهایت تلاش را کرده اند که در حکومت وحدت ملی از مصونیت شغلی برخوردار شوند. این کمیشنران پس از آن که فهمیدند، وظیفه برای شان در حکومت وحدت ملی در دستور کار نیست، در یک اقدام تحریک کننده و نمایشی نتایج انتخابات سال ۲۰۱۴ را در ۲۰۱۶ اعلان کردند. خبر تازه آن است که با صدور فرمان تقنینی ریاست جمهوری که زمینه برای آغاز کار کمیشنران جدید کمسیون های انتخاباتی مساعد می گردد، کمیشنران برکنار شده کمسیون های انتخاباتی، رییس جمهور غنی را تهدید به افشای اسناد دست داشته شان کرده اند. این تهدیدها تازه گی ندارد، قبلاً ستار سعادت نیز محمد اشرف غنی را تهدید کرده بود که اسنادهای در دست دارد که او را زمین گیر خواهد کرد. عنقریب فرمان جدید تقنینی اصلاح نظام انتخاباتی از سوی حکومت وحدت ملی صادر خواهد شد، دیده شود که آنان با صدور فرمان جدید دست به افشای اسنادهای شان علیه غنی می زنند یا خیر؟ اشرف غنی در نظر دارد تعدادی از این کمیشنران را به وظایفی بگمارد تا جلو افشای آن عده از اسنادها و ماجراهای تقلب های انتخاباتی را که تا اکنون مردم از آن بی خبراند، گرفته شود.

Hadi Miraan



پس از مرگ ضیال الحق زمانی که بی نظیر بوتو بر مسند نخست وزیری پاکستان نشست، خبرنگاری ازش پرسید که مهم ترین چیزی را که از پدرت آموخته ای، چه است؟ بی نظیر پس از مکس کوتاهی گفت که مهم ترین چیزی را که از پدرش آموخته است این است که واقعیت ها همیشه در حال تغییر اند. امروز سفیر روسیه در کابل، به نمایندگی از کشورش ده هزار میل کلاشکوف را به دولت افغانستان سپرد تا از آن در نبرد با دشمنان افغانستان استفاده صورت گیرد. سه دهه قبل اما واقعیت چیزی دیگر بود و با رنگ و روی دیگر بر پرده های ذهن و قضاوت مردم نشسته بود. سه دهه قبل دولتی که از روسیه کمک تسلیحاتی دریافت می کرد، ملحد خوانده می شد و آنانیکه در برابر آن می جنگیدند، مجاهدین خوانده می شدند. در شعله های نبرد مجاهدین و ملحدین هزاران باغ آرزومندی خاکستر شدند، میلیونها انسان در خاک و خون خفتند اما کمتر کسی به این باور رسید که مجاهد و ملحد به ساده گی می توانند به جای همدیگر بنشینند. آنانیکه واقعیت ها را می سازند، به ساده گی می توانند واقعیت ها را تغییر دهند.

جمشید یما امیری



فیسبوک که در چند سال گذشته به اندازه کافی وقت کاربران خویش را تلف کرده است، اکنون با روی دست گرفتن یک برنامه تازه، بیشتر از گذشته وقت مان را خواهد گرفت و هزینه ها و فرصت های بیشتری را خواهد ربود. در گذشته تنها گزینه لایک را داشتیم و در هر حالتی آن را می فشاردیم و رفع مسوولیت می کردیم! اما اکنون کاربران به جای لایک کردن گزینه های دیگری چون Love, Wow, Sad, Angry را مشاهده می کنند و می توانند از میان آن ها دست به انتخاب بزنند. گزینه های متعدد معلوم نیست که چه رابطه هایی را شکل دهد و چه دوستی هایی را برهم می زند!

پنتاگون سلاح عجیب جدیدی برای مبارزه با روسیه و چین میسازد

روبرت وورک، معاون اول وزیر دفاع ایالات متحده و جنرال پل سلووی، معاون ستاد مشترک ارتش امریکا در مصاحبه با روزنامه واشینگتن پست از طراحی «سلاح عجیب» جدید ناتو برای بازداشتن روسیه و چین خبر دادند. این نظامیان امریکایی درباره پژوهش هایی سخن گفتند که تا چند ماه قبل جزو بزرگترین اسرار نظامی بودند. روبرت وورک گفت: «ما سیستم های نظامی نیرومندتری را می سازیم و اگر زمانی روس ها و چینی ها جرأت رویارویی با ما را پیدا کنند، احساس عدم اطمینان را در آن ها به وجود خواهیم آورد». به گفته او فقط به این شکل می توان بدون استفاده از سلاح هسته ای به پیروزی رسید. به گزارش خبرگزاری «تاس» روسیه، سخنگویان پنتاگون به طور آشکار از قصد خود برای استفاده از جدیدترین وسایل دارای مغز مصنوعی و آموزش اتوماتیک جهت ساخت سلاح رباتی سخن می گویند. از جمله ایجاد «گروه ربات های انسان گونه» و «سربازان مافوق قوی» در دستور کار امریکایی ها قرار دارد. روزنامه واشینگتن پست می نویسد: «هر چند ممکن است تخیل علمی به نظر برسد، پنتاگون به این نتیجه رسیده که چنین سیستم های پیشرفته یی بهترین روش مبارزه با پیشرفت های سریع فعلی در نیروی های مسلح روسیه و چین است». این روزنامه خاطر نشان می سازد: این شبیه برنامه «جنگ های ستاره ای» ریگان است که ۳۰ سال پس از ارایه آن مطرح می شود.

دمشق:

تیم تحقیقات سازمان ملل را به رسمیت نمی شناسیم

نماینده سوریه در سازمان ملل تأکید کرد که دمشق فعالیت کمیته تحقیقات بین المللی مستقل در مورد سوریه را به رسمیت نمی شناسد و مذاکره با اعضای آن را نمی پذیرد. بشار جعفری، نماینده دائم سوریه در سازمان ملل در سخنانی در نشست غیر علنی مجمع عمومی این سازمان گفت: مشخص شد که تشخیص دولت سوریه مبنی بر بی فایده بودن تعامل با این کمیته تشخیصی درست بوده است، چرا که گزینشی عمل کردن و سیاسی کاری دو روش ثابت در گزارش های این کمیته و گزارش اش به شورای امنیت و شورای حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل است و این گزارش ها متکی بر اظهارات «دروغین» و شهادت های «گمراه کننده» برخی از افرادی است که در خارج از مرزهای سوریه هستند یا مبتنی بر گزارش های دروغین برخی از سازمان های غیر دولتی است که خود را با افتخار «بدون مرز» می نامد یا دیده بان های حقوق بشر که با دستگاه های اطلاعاتی غربی فعالیت می کنند و تمامی آن ها فراتر از حاکمیت کشورها عمل می کنند و در خاک کشور به صورت غیر قانونی فعالیت می کنند. او در این نشست که برای اطلاع از گفته های اعضای کمیته بین المللی مستقل تحقیقات در مورد سوریه برگزار شد، به نادیده گرفتن اظهارات هزاران سوری از قربانیان جنایت های گروه های تروریستی مسلح در گزارشات این کمیته و همچنین نادیده گرفتن اطلاعات موثق بسیاری که دولت سوریه از آغاز بحران تاکنون در بیش از ۶۰۰ نامه رسمی در اختیار سازمان ملل قرار داده است، اشاره کرد.

پارلمان اروپا صادرات سلاح به عربستان را ممنوع اعلام کرد

پارلمان اروپا قانونی را تصویب کرد که براساس آن اتحادیه اروپا باید صادرات سلاح به عربستان را ممنوع کند. براساس این قانون، اتحادیه اروپا موظف است که صادرات سلاح به عربستان را به دلیل جنگ اش علیه یمن ممنوع کند. عربستان از مدت ها پیش حملاتی را علیه یمن آغاز کرده است که در این حملات، صدها تن کشته شده اند. بسیاری از نمایندگان پارلمان اروپا حملات عربستان در یمن را نقض حقوق بشر می دانند. یکی از نمایندگان پارلمان اروپا در این باره گفت: عربستان یکی از مهم ترین وارد کننده گان سلاح از اروپا، به ویژه از فرانسه و انگلیس است و از این سلاح ها در جنگ یمن استفاده می شود

رییس المپیک:

حکومت ورزش را دست کم می گیرد



رییس کمیته ملی المپیک افغانستان می گوید، حکومت توجه لازمی را به ورزش مبذول نداشته و در عرصه بهبود وضعیت اقتصادی ورزش کاران تدابیر اساسی را روی دست نگرفته است.

محمد ظاهر اغبر، با توجه به اهمیت ورزش در وحدت ملی و گردهم آوری اقشار مختلف افغانستان در زیر یک چتر واحد، گفت: «حکومت افغانستان تا هنوز هم ورزش را دست کم می گیرد».

رییس کمیته ملی المپیک افغانستان به «لیگ رادیویی» رادیو آشنا گفت که اطرافیان حکومت اطلاعات درست را به در دسترس رییس جمهور و رییس اجرایی افغانستان قرار نداده و از سوی، به گفته آقای اغبر «داکتر صاحبان در گذشته ورزش کار نبوده و یا شاید آن قدر ورزش را دوست نداشته باشند که در این عرصه توجه کنند».

آقای اغبر می گوید، در صحبت های که پیش از آغاز کار حکومت وحدت ملی با حامد کرزی، رییس جمهور پیشین افغانستان داشته، پیشنهادات لازمی را برای خود کفا شدن المپیک و در مجموع ورزش افغانستان ارایه کرده، «اما هرگز تمهدهات آقای کرزی جامه عمل نپوشید».

ورزش کاران افغانستان در رقابت های المپیک جنوب آسیا در هند با کسب ۳۵ مدال جایگاه چهارم در رده کشورهای اشتراک کننده از آن خود کرد که در آن ۷ طلا، ۹ نقره و ۱۹ برنز شامل است.

در میان مدال آوران افغانستانی، سمیه دختر تکواندوکار افغانستانی برای نخستین بار توانست در رقابت های المپیک جنوب آسیا مدال طلا را کسب کند.

آقای اغبر با یاددهانی از دست آوردهای ملی پوشان ابراز امیدواری کرد که ممکن «این افتخارات حکومت داران را متوجه اهمیت ورزش ساخته و آنان -رییس جمهور و رییس اجرایی- را حاضر به شنیدن حرف های ما کنند».

المپیک ۲۰۱۶ برازیل

رییس کمیته ملی المپیک افغانستان می گوید که می باید از دو سال پیش برای رقابت های المپیک آماده گی گرفته می شد، اما به گفته او به خاطر «فروپاشی نظام ورزشی افغانستان» در این چند مدت اخیر این که افغانستان بتواند «به گونه شاید و باید» در رقابت های ورزشی شرکت کند، دشوار می نماید. آقای اغبر گفت که تلاش می کنند در عرصه های مشتزنی، جدو و پهلوانی با استفاده از کارت سفید، در برازیل حضور یابند، در غیر آن، ورزش کاران افغانستان توان مندی آن را ندارند تا پس از رقابت های مقدماتی فرصت حضور در المپیک ۲۰۱۶ برازیل را کسب کنند.

ظاهر اغبر از تمام خانواده ها و ورزش کاران افغانستانی ساکن در خارج از افغانستان خواست تا اگر در عرصه های مختلف بازی های المپیک دسترسی و توان مندی دارند، با مسوولین کمیته ملی المپیک افغانستان در تماس شوند تا بتوانند به گونه قوی تر تیم های افغانستان به میدان بروند.

Mandegar

به جز «سخن ماندگار، مسؤولیت دیگر نبشته‌ها به نویسنده‌گان بر می‌گردد.

۲۵ میلیون کتاب با اغلاط انشایی و املائی چاپ شده است



۲۵ میلیون کتاب با اغلاط انشایی و املائی چاپ شده است. به دلیل نبود ظرفیت، تنها ۱۹ میلیون آن به مصرف رسیده است. آقای بلخی هم‌چنان می‌گوید که این وزارت در نظر دارد طرح‌های توسعه‌ی آموزش و پرورش را از مناطق ناامن به جاهای امن منتقل کند و این چیزی است که شهروندان کشور در ده سال گذشته همواره خواهان آن بوده‌اند.

«جلد» کتاب‌های درسی اشتباه یافت، او از سمتش کناره‌گیری کرد. اما او تنها بر جلد کتاب‌های آموزشی چنین شرطی گذاشته بود و داخل این کتاب‌ها بر اشتباه‌های املائی و انشایی است. نبود ظرفیت بلخی می‌گوید که پول در وزارت معارف زیاد است؛ اما ظرفیتی برای مصرف درست این پول‌ها وجود نداشته است. به گفته او، از حدود ۵۵,۷

اسدالله حنیف بلخی، وزیر آموزش و پرورش با انتقاد از مدیران پیشین این وزارت می‌گوید به دلیل شتاب‌زده‌گی و بی‌توجهی آن‌ها، ۲۵ میلیون جلد کتاب آموزشی مکتب‌ها با اشتباه‌های املائی و انشایی چاپ شده‌اند.

آقای بلخی که روز پنج‌شنبه در جمع مسؤولان ریاست آموزش و پرورش بلخ صحبت می‌کرد، گفت، زمانی که او به این وزارت آمد، قرارداد چاپ این کتاب‌ها با دو شرکت هندی و یک شرکت ویتنامی بسته شده بود و آن‌ها فرصت نداشتند این کتاب‌ها را ویرایش کنند.

بلخی می‌گوید، مسؤولان پیشین وزارت معارف پول‌های هنگفتی را برای چاپ کتاب‌هایی که پر از اشتباه‌اند، هزینه کرده‌اند.

وزیر معارف هم‌چنان از چاپ شدن نزدیک به ۵۰ میلیون کتاب آموزشی در سال روان میلادی خبر می‌دهد و می‌افزاید که هزینه چاپ این کتاب‌ها به ۲۵ میلیون دالر می‌رسد.

او می‌گوید که وزارت معارف تلاش می‌کند این بار کتاب‌های جدید بدون داشتن اشتباه چاپ شوند و کار روی ویرایش آن جریان دارد.

وجود اشتباه‌های فاحش در کتاب‌های آموزشی و غیرمعماری بودن این کتاب‌ها، در گذشته انتقادهای زیادی را به همراه داشته است.

فاروق وردک، وزیر معارف پیشین باری در مجلس نماینده‌گان گفته بود که اگر کسی از

شرکت اپل: هک کردن اطلاعات آیفون‌ها را مشکل‌تر خواهیم کرد



شرکت اپل گفته است که هک کردن اطلاعات آیفون‌ها را سخت‌تر از آن چیزی که فعلاً هست می‌کند.

بنابر گزارش واشنگتن پست شرکت اپل در حال کار بر روی الگوریتم امنیتی به کار برده شده در آیفون‌ها هست تا هک کردن این گوشی‌ها را حتی برای دولت آمریکا نیز مشکل‌تر سازد.

این گفته در حالی مطرح می‌شود که چندی قبل یک محکمه فدرال آمریکا از شرکت اپل خواسته بود که آیفون فردی را که در «سان برناردینو» طی یک تیراندازی ۱۴ نفر را به قتل رسانده بود رمزگشایی کند. اما اپل از این کار سر باز زد و آن را نقض حریم شخصی و حقوق مشتریانش خواند.

پولیس فدرال آمریکا (اف‌بی‌آی) معتقد است که اطلاعات مهمی در این گوشی موبایل موجود است که احتمال دارد در ردیابی تروریستان به آنها کمک کند.

بسیاری از افراد مطرح در دنیای تکنالوجی مانند مارک زاکربرگ بنیانگذار فیسبوک از این تصمیم اپل حمایت کردند. اما دونالد ترامپ نامزد انتخابات آینده ریاست جمهوری آمریکا از اپل انتقاد کرد و گفت جان شهروندان آمریکا از حریم شخصی افراد مهم‌تر است.

همچنین بر اساس اسنادی که سارنوالی آمریکا ارایه کرده پولیس اف‌بی‌آی تا به حال از اپل خواسته که ۱۳ موبایل آیفون دیگر را نیز رمزگشایی کند.

کارشناسان معتقدند که هدف اصلی شرکت اپل از کار روی الگوریتم امنیتی جدید به این دلیل است که اگر پولیس اف‌بی‌آی در دوسیه فعلی پیروز شود برای هک کردن آیفون‌های آینده مجبور باشد چرخه دیگری از مراحل قضایی را طی نماید.

تیم کوک مدیر عامل شرکت اپل در زمان معرفی آخرین سیستم عامل آیفون (آی او اس ۹) گفته بود که این سیستم عامل امنیت بسیار بالایی دارد که حتی اپل نیز قادر به رمزگشایی اطلاعات آن نمی‌باشد.

تاکید بر امنیت بالای محصولات اپل از استراتژی‌های بازاریابی این شرکت دانسته می‌شود.

ده‌ها نفر از مخالفان مسلح در ولایت فاریاب بازداشت شدند

منابع دولتی می‌گویند در عملیات نیروهای ارت در منطقه خشت پل، در ولسوالی خواجه سبزپوش ولایت فاریاب «ده‌ها» نفر از مخالفان مسلح دولت بازداشت یا تسلیم شده‌اند.

فرماندهی این عملیات را جنرال عبدالرشید دوستم، معاون اول، بر عهده دارد.

رضا رضایی، یکی از سخنگویان ارتش ملی افغانستان در ولایت فاریاب، روز جمعه گفت که در این عملیات ۱۵ نفر از مخالفان مسلح بازداشت شدند و ۳۵ نفر دیگر از آنها که در محاصره نیروهای دولتی قرار گرفته بودند، خود را تسلیم این نیروها کردند.

به گفته آقای رضایی بیشتر از ۲۰ مخالف مسلح دیگر نیز در نتیجه حملات هوایی نیروهای دولتی کشته شده‌اند. او همچنین گفت که در این عملیات سه قرارگاه گروه طالبان نابود شده که این گروه یکی از این قرارگاه‌ها را به عنوان زندان استفاده می‌کردند.

گروه طالبان تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند.

عملیات در ولسوالی خواجه سبزپوش پس از آن به راه افتاد که طالبان چندین بار در هفته‌های اخیر، شاهراه میمنه، مرکز فاریاب به شهر مزارشریف را مسدود کردند و شماری از مسافران را با خود بردند.

مقام‌های امنیتی می‌گویند افراد این گروه، شب گذشته نیز چند مسافر را در این مسیر به اسارت گرفتند و دونفر از آنها را تیرباران کردند.

وضعیت ناهنجار پناهجویان افغانستان در مرز مقدونیه و یونان

اصلاحاتی دولت یونان در خصوص بازنشستگان دست به راه پیمایی زده‌اند. تظاهرات آنان در کنار چالش‌های دیگر بر مشکلات پناهجویان نیز افزوده است.

پولیس این منطقه در این مورد می‌گوید: «از اداره پولیس دستور یافتم که بس‌ها از محلی به اینجا می‌آیند، جایی که در حال حاضر مشکلات وجود دارد. پس از آن پناهجویان به سفر خود ادامه می‌توانند.»

در همین حال، یونان از تصمیم کشورهای بالقان شدیداً انتقاد کرده است. اتریش و برخی کشورهای دیگر مسیر بالقان تصمیم گرفته‌اند که ادامه سفر مهاجران را محدود کنند. یونان حتی سفیر خود را از اتریش فراخوانده است. وزیر خارجه یونان هدف از فراخوانی سفیرش را مشوره دهی برای اجتناب از تیره شدن روابط دوستانه میان یونان و اتریش بیان نموده است.

پیش از این یونانس موزالاس، معاون وزارت امور مهاجرین یونان نیز هشدار داده بود که در صورت دوام این حالت کشورش مانع اجرای تصمیم‌های اتحادیه اروپا خواهد شد.

او گفت: «یونان هرگز نمی‌پذیرد که تبدیل به لبنان اروپا گردد. ما نمی‌خواهیم محل انبار افراد گردیم، حتی اگر تعهد کمک‌های بشری نیز برای ما داده شود.»

این گفته‌ها در حالی مطرح می‌شوند که روزانه جزایر لیسبوس، خیوس و کوس یونان گواه سرازیر شدن حدود سه هزار آواره در روز‌اند.



که در حال حاضر به شهر پیره رسیده‌اند، با ممانعت پولیس برای رفتن به شمال این کشور روبرو شده‌اند.

تعداد بی‌شمار پناهجویان افغانستانی در پارک ویکتوریا در شهر آتن تجمع کرده‌اند. در حقیقت این یکی از مراکز چانه زنی برای قاچاقبران و پناهجویان به شمار می‌رود. با بسته شدن مرز مقدونیه بر روی پناهجویان افغان بازار قاچاقبران رونق بیشتر گرفته است. حالا آنان در بدل انتقال پناهجویان از مسیرهای دیگر به شمال اروپا سه هزار یورو مطالبه می‌کنند که این راه می‌تواند از طریق آلبانیا به سوی ایتالیا باشد.

بخش دیگر از ماجرا را تظاهرات کشاورزان در شهر لاریسا تشکیل می‌دهد. اتوبوس‌های حامل پناهجویان که از مرز مقدونیه بازگشتند در این شهر با موانع ایجاد شده بر روی جاده روبرو شدند. از چند هفته بدینسو دهقانان در اعتراض به برنامه

پس از بسته شدن مرز مقدونیه بر روی پناهجویان افغانستان، هزاران آواره پیرشان حال در یونان به سر می‌برند. تنها رقم اندکی از اتباع سوریه و عراق اجازه ورود به خاک مقدونیه را دارند. در عین حال هزاران پناهجوی دیگر روزانه وارد یونان می‌شوند.

رسانه‌های محلی یونان از گشایش اردوگاه تازه در دیواواتا در نزدیکی شهر تسلیونیکی خبر می‌دهند. صبح دیروز صدها پناهجوی دیگر به قصد گذشتن از مرز مقدونیه از این محل به راه افتادند.

نزدیک به سه هزار پناهجوی سوریایی و عراقی در منطقه سرحدی میان یونان و مقدونیه انتظار می‌کشند تا به سفر خود ادامه بدهند. این مرز اما به تکرار موقتاً بسته می‌شود. مثلاً دیروز قبل از ظهر تنها چند صد نفر موفق به عبور از آن شدند.

از هفته گذشته که مرز مقدونیه بر روی پناهجویان افغانستان مسدود گردید، تعداد زیادی از آنان دوباره به کشور یونان انتقال یافتند. این پناهجویان